

گزینه ۱

۱

واژه کثیف ← دارای تحول معنایی
* در گذشته به معنی انبوه و متراکم که امروزه متداول نیست و به معنی آلوده و پلید است.

گزینه ۴

۲

در این گزینه واژه‌های "می‌زند و می‌کشد" هم‌قافیه هستند که قافیه غلطی است.

گزینه ۱

۳

مفهوم بیت گزینه ۱ بیان روزگار ستم‌آلود و دعوت انسان‌های دادخواه و مبارز برای مبارزه است.

گزینه ۳

۴

واژه "رعا" با از دست دادن معنای پیشین خود که (خودخواه - گستاخ - احمق) بوده توانسته است معنای جدیدی را وارد دایره لغات خود کند: (دلربا)

گزینه ۳

۵

واژه غلط و املائی درست آن:
هرب ← حرب

گزینه ۴

۶

واژه "دبیر" در گذشته به معنی "نویسنده و کاتب" بوده است و امروزه به معنی "کسی که در دبیرستان تدریس می‌کند" به کار می‌رود.

توجه: واژه‌های "درزی: خیاط"، "خراج: مالیات" و "برگستوان: پوشش جنگی اسبان و پهلوانان" در گزینه‌های "۱"، "۲" و "۳" امروزه جزء واژگان کهن و متروک به حساب می‌آیند.

گزینه ۱

۷

غلط املائی و شکل درست آن:

قضا (سرنوشت، داور) ← غزا (جنگ) - باتوجه‌به واژه "تیغ" در عبارت "پنهان کردن تیغ را شایسته دیدم" املائی "غزا" درست است.

در گزینه‌های دیگر واژه‌های "صلت، خوان، صولت، صباحت، قضا و حذر" از نظر املائی مهم هستند.

گزینه "۲": (مرا خوار شد جنگ دیو سپید = خرق عادت)
 گزینه "۳": (بی‌بها ناسزاوار پوست = منظور پرچم است که نشانه ملی و میهنی است)
 گزینه "۴": (اسفندیار = قهرمان ایرانی)

در عبارت صورت سؤال "ضخاک، پادشاه جورپیشه، سزای عمل ناجوانمردانه‌اش را دید." بیت گزینه ۴ نیز بیانگر این مفهوم است که هر ستمگری که دیگری را بیازارد، به سزای عملش خواهد رسید. (ادبیات چهارم، درس ۳)
 بررسی مفهوم ابیات:
 (۱) غم تو مانند شاهبازی است که دل عاشقان مسکین را صید کرده است.
 (۲) دل سلمان (شاعر) مانند کبوتری است که اسیر غم مانند شهباز تو شده است. آگاه باش که دوباره دل همچون کبوتر او را شکار کرده‌ای.
 (۳) بال‌های زاغ و زغن شایسته صید و شکار نیست. این زیبایی و شایستگی فقط مخصوص بال‌های شهباز و شاهین است.
 (۴) کبک مورچه‌ای را خورد و خود شکار باز شکاری شد و سرانجام عقابی رفت و باز شکاری را طعمه خود ساخت.

معنی بیت سؤال: شیوه و آیین فرزندان از بین رفت و دیوصفتان مشهور شدند. (خوارشدن خردمندان و عزیزشدن بی‌خردان)
 معنی بیت گزینه "۱": آه و فغان از دست روزگار حيله‌گر که وارونه عمل می‌کند. شاهزاده، در خفت و خواری و گدا زاده در ناز و نعمت به سر می‌برد.

اعزاز: بزرگداشت، گرامیداشت
 شایق: آرزومند، مشتاق
 التهاب: برافروختگی، زبانه و شعله آتش
 صرف: مجرّد

مفهوم گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ "انسان‌های مهم و ارزشمند، جایگاه و پایگاهی ندارند؛ برخلاف انسان‌های بی‌ارزش."

ابیات مشترک ۱، ۲ و ۴ ← دگرگون شدن ارزش‌ها و بی‌ارزش شدن علم و هنر و برتری نادانان و فرومایگان
 اما در گزینه ۳ ← اشاره بر اینکه خانه دل جای شیطان و نیروهای باطل نیست و اگر آن‌ها را راندی فرشته نیک‌اندیش جایگزین می‌شود.

پارادوکس: از تنزل ترقی یافتن / ایهام: ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه "۱": تشبیه: بادام دو چشم / استعاره: عتاب استعاره از اشک / پسته استعاره از دهان

گزینه "۲": حس آمیزی: جواب تلخ / ایهام تناسب: شور ۱- هیجان و اشتیاق (معنای مورد قبول) ۲- مزه شور (با کام و تلخ و... تناسب دارد)

گزینه "۴": واج آرایی: تکرار "حروف م، ن، ی، ا" / مجاز: بیت مجاز از شعر

در شاهنامه به این موضوع اشاره شده است که مردم که از خودکامگی و جورپیشگی ضحاک به جان آمده بودند، به زودی بر کاوه و فریدون گرد می‌آیند و با سیاهی بزرگ به جنگ ضحاک می‌روند و مرکز فرمانروایی و کاخ ضحاک را می‌گیرند و بعد با ضحاک روبه‌رو می‌شوند و او را به بند می‌کشند. (ادبیات چهارم، درس ۳)

(۱) این بیت مربوط به سرانجام "سیاوش" است که در کتاب درسی نیامده است.

(۲) مربوط به سرانجام "جمشید" است که ضحاک او را با اژه به دو نیم کرد. (ادبیات چهارم، درس ۲)

(۳) این بیت مربوط به سرانجام "مرداس" است که شیطان با هم‌داستانی ضحاک او را در چاه افکند...

در داستان کاوه آهنگر خواندید که ارزش‌ها جابه‌جا شد. پلیدی‌ها جای خوبی‌ها را گرفت:

"نهان گشت کردار فرزندگان پراکنده شد نام دیوانگان"

هنر خوار شد جادویی ارجمند نهان راستی آشکارا گزند"

بیت گزینه (۴) نیز وصف چنین روزگاری است: سبزی‌ها خشک شد، گل‌ها پریز شدند، دوران بلبل تمام شد و نوبت زاغ است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): شرمساری از اعمال زشت خویش

گزینه (۲): غنیمت شمردن عمر

گزینه (۳): بی‌توجهی پادشاه به دادخواهی مظلومان

تشریح گزینه‌ها:

(۱) حرب: آلت حرب و نزاع؛ مانند شمشیر، خنجر، نیزه و...

توجه: "حرب" در معنای "نزاع = جنگ" هم می‌تواند درست باشد.

(۲) توقیع: امضا کردن فرمان، مهر کردن نامه و فرمان (رقعت: نامه)

(۴) مقرر: معلوم، تعیین‌شده (اقرارکننده درست نیست)

در گزینه ۱: سپر بی‌نداخت ← سپر بی‌نداخت

غلط‌هایی املائی و شکل درست آن:

قاضی (داور) ← غازی (جنگجو)

غازی: بندباز، معرکه‌گیر

کلمات مهم املائی در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲) زَلَّت: لغزش، خطا / گزینه ۳) طاعن: سرزنش‌کننده - ذمیم: زشت و نکوهیده / گزینه ۴) ذُلَّ: خواری - غربت: دوری از شهر
توجه: واژه "غازی" در منابع کنکور به کار نرفته لذا سؤال فاقد اعتبار و ارزش‌سنجی است.

معنی سؤال: انسان‌های ارزشمند، گمنام شدند و افراد بی‌ارزش شهرت یافتند. همین مفهوم از بیت "۱" دریافت می‌شود.

بسیاری از ما دوست ندارد که دیگران در امورمان، زیرا که از این کار کراهت داریم.

(۱ داخل شوند ۲) داخل کنند ۳) داخل شوند ۴) دخالت کنند

دیروز: اُمس (رد گزینه‌های "۳" و "۴") - کتابی: کتاباً (رد گزینه "۴") - خریدم: اشتریت (رد گزینه‌های "۱" و "۴") - دیده بودم: قد رأیت (رد گزینه "۳")

بررسی اشتباهات سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: "حصلتُ علی: به دست آوردم" ← یافتم ["حصلتُ علی" معادل دقیقی برای تعریب "یافتم" نیست!] / يُسَاعِدُني ← یُسَاعِدُني [به‌جای حرف جرّ "لِ" باید از حرف "نون وقایه" در تعریب استفاده می‌شد!] / در ← در تعریب لحاظ نشده است!
گزینه ۲: "رأيتُ: دیدم" ← وَجَدْتُ ["رأيتُ" تعریب درستی برای "یافتم" محسوب نمی‌شود!] / البرنامج: برنامه" [یا باید به صورت نکره "برنامج" به کار می‌رفت و یا پس‌از آن باید از اسم موصول "الَّذِي" استفاده می‌شد!] و هو... [در عبارت فارسی ساختار جمله وصفیه وجود دارد نه جمله حالیه!] / "لتعليم": برای یاد دادن، برای آموزش" ← "في تَعَلُّم": در آموختن" [تعليم" یعنی یاد دادن، ولی "تَعَلُّم" یعنی آموختن، یاد گرفتن!] / "اللغة" ← اضافی است.
گزینه ۴: "أخذتُ: گرفتم" [معادل دقیقی برای تعریب "یافتم" نیست!] / "مرا" ← در تعریب لحاظ نشده است! / "تعليم" ← تَعَلُّم / "اللغة" ← مانند گزینه ۲

معین کن صحیح را در ترجمه بر طبق آنچه خوانده‌ایم در کتاب درسی.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه "۱": جمله با فعل "أعوذ" که یک فعل مضارع است شروع شده است و در ادامه جمله وصفیه با فعل "لاتشبع" که مضارع است آمده در اینجا "لاتشبع" طبق نظر کتاب درسی باید به صورت مضارع التزامی "سیر نشود" ترجمه شود.

گزینه "۲": واو ابتدای جمله حرف عطف است، پس گزینه "۲" ادامه گزینه "۱" می‌باشد، پس فعل "أعوذ" در گزینه "۱" بر سر گزینه "۲" هم تأثیر می‌گذارد و فعل "لايخشع" که جمله وصفیه هست را باید مضارع التزامی کند (سیر نکند).

گزینه "۳": واو حرف عطف است فعل "أعوذ" بر جمله وصفیه "لاينفع" نیز تأثیر می‌گذارد و آن را مضارع التزامی می‌کند، پس "نبخشد" درست است.

گزینه "۴": واو حرف عطف است و "أعوذ" بر جمله وصفیه "لاترفع" نیز تأثیر می‌گذارد و آن را نیز باید مضارع التزامی (بالا برده نشود) کند.

بررسی کلمه‌های کلیدی (المواد الغذائية، تُؤثِّرُ، في قدرة الجسم و العقل، تُبْعِدُنَا):

(۱) "المواد الغذائية": "مواد غذایی" ← صفت و موصوف ← رد گزینه‌های ۲ و ۴

(۲) "تؤثِّرُ": "تأثیر می‌گذارد" ← فعل مضارع از باب "تفعیل" ← رد سایر گزینه‌ها

(۳) "في قدرة الجسم و العقل": "در توانمندی جسم و عقل" ← رد گزینه‌های ۱ و ۲

(۴) "تُبْعِدُنَا": "ما را دور می‌کند" ← فعل مضارع ← رد گزینه‌های ۱ و ۲

معین کن صحیح را در ترجمه بر طبق آنچه خوانده‌ایم در کتاب درسی.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه "۱": جمله با فعل "أعوذ" که یک فعل مضارع است شروع شده است و در ادامه جمله وصفیه با فعل "لاتشبع" که مضارع است آمده در اینجا "لاتشبع" طبق نظر کتاب درسی باید به صورت مضارع التزامی "سیر نشود" ترجمه شود.

گزینه "۲": واو ابتدای جمله حرف عطف است، پس گزینه "۲" ادامه گزینه "۱" می‌باشد، پس فعل "أعوذ" در گزینه "۱" بر سر گزینه "۲" هم تأثیر می‌گذارد و فعل "لايخشع" که جمله وصفیه هست را باید مضارع التزامی کند (سیر نکند).

گزینه "۳": واو حرف عطف است فعل "أعوذ" بر جمله وصفیه "لاينفع" نیز تأثیر می‌گذارد و آن را مضارع التزامی می‌کند، پس "نبخشد" درست است.

گزینه "۴": واو حرف عطف است و "أعوذ" بر جمله وصفیه "لاترفع" نیز تأثیر می‌گذارد و آن را نیز باید مضارع التزامی (بالا برده نشود) کند.

"البرنامج الذی: برنامه‌ای که" ← در گزینه‌های ۲ و ۳ اشتباه ترجمه شده است. {الذی بعد از اسم "ال" دار به معنی "که" می‌باشد} "حياة المرء في المستقبل: زندگی فرد در آینده" که در گزینه "۱" اشتباه ترجمه شده است.

يبدأُ: فعل مضارع: آغاز می‌شود ← رد گزینه‌های ۱ و ۲

هو: ضمیر فعل است به معنی "همان" ← رد گزینه‌های ۱ و ۲

بررسی گزینه های اشتباه:

- ۱) کلمه "أبدًا" به معنای "هرگز" در این گزینه ترجمه نشده است و کلمه "هم" در عبارت فارسی اضافه است.
 ۲) فعل "برسانم" در این گزینه اشتباه آمده است.
 ۳) کلمه "قد" چون با فعل مضارع آمده است به معنای "گاهی" می باشد که در اینجا به اشتباه "قطعاً" ترجمه شده است.

- "تَحَرَّكَ: حرکت کردند" ماضی از باب "تَفَعَّلَ" است آن را با "تُحَرَّكَ: حرکت می دهند" اشتباه نگیرید. (رد گزینه های ۱ و ۴)
 "يَتَحَدَّثُونَ" جمله وصفیه است و بعد از یک اسم نکرده آمده است و با حال اشتباه نگیرید. (رد گزینه های ۳ و ۴)

در این گزینه یک جمله بعد از نکره وجود ندارد اما در سایر گزینه ها به ترتیب "تخاف، تشرب و أهدى" یک جمله بعد از نکره هستند.

- يُعوِّد: عادت دهد - يُعوِّد لِسَانَهُ ← زبانش را عادت دهد
 أَقْبَلَ عَلَيَّ: روی آورد / يُقبِلُونَ عَلَيَّ: روی می آورند که در گزینه های ۲ و ۴ غلط ترجمه شده است.
 اللَّيْنُ: نرم / طوبى بـ ← خوشا به حال ← در گزینه های ۲ و ۳ غلط ترجمه شده اند.
 بَلْ: بلکه ← در گزینه های ۲ و ۴ ترجمه نشده است.

در این گزینه پس از اسم نکره "علمية" جمله فعلیه "تعلم" آمده است. در گزینه "۱" "يمنعون" "الحراس" را توضیح می دهد. در گزینه "۲" پس از "فترات" جمله نیامده است. در گزینه "۳" نیز "طلب" اسم نکره را توضیح نمی دهد.

جمله وصفیه "يدعونا" زمان مضارع بوده و زمان جمله قبل آن هم مضارع آمده است؛ پس جمله وصفیه به صورت مضارع التزامی ترجمه می گردد. (دعوت کند)
 بررسی سایر گزینه ها:

- گزینه "۱": "توسط" اضافی است و ترجمه "يدعو" نادرست است.
 گزینه "۲": "پیشرفتمان" و "فرامی خواند" نادرست است.
 گزینه "۳": ضمیر در "راه" نیامده است و فعل "تبدیل نماید" غلط است.

فعل مضارع پس از فعل ماضی، به شکل ماضی استمراری ترجمه می شود. تنها در گزینه "۲" فعل مضارع پس از ماضی آمده است.

دلایل رد سایر گزینه‌ها:

- (۱) "قد جعلت": "قرار داده‌ای" ← رد سایر گزینه‌ها
 (۲) "یسر": "آسان کن" فعل امر از باب تفعیل است. ← رد گزینه‌های ۲ و ۴
 (۳) "فی الدنيا": "در دنیا" ← رد گزینه "۳"

فعل "كُنَّا قد قرأنا" ماضی بعید است که در گزینه‌های "۱" و "۴" به اشتباه ماضی استمراری [می‌خواندیم] ترجمه شده است [ردّ گزینه‌های "۱" و "۴"].

فعل "ینصحنأ" درست است که یک فعل مضارع است ولی چون جمله وصفیه است و قبلش فعل ماضی آمده باید به صورت ماضی استمراری ترجمه شود، ولی در گزینه "۲" به اشتباه به صورت ماضی بعید [نصیحتمان کرده بود] ترجمه شده است [ردّ گزینه "۲"].

آنچه را نمی‌دانید: ما لا تعلمون / نگوئید: لا تقولوا / ولی من می‌گویم: ولکننی أقول / هرآنچه را می‌دانید: کلّ ما تعلمون / هم: أیضاً / نگوئید: لا تقولوا

معین کن عبارتی که توصیف‌کننده مفعول است.

بررسی گزینه‌ها:

- (۱) درست است که "خیراً" نکره است ولی فعل بعدش "یره" نمی‌تواند جمله وصفیه باشد چون جواب شرط است. تذکر: اگر بعد از اسم نکره یک فعل بیاید و جواب شرط باشد نمی‌توان آن را جمله وصفیه گرفت.
 (۲) درست است که بعد از "شرطیاً" فعل "جادلته" آمده ولی این فعل نمی‌تواند جمله وصفیه باشد زیرا قبلش حرف "ف" آمده است.
 تذکر: بین اسم نکره و جمله وصفیه کلمات [و - ف - ثم - لکن - حتّی] نمی‌آید.
 (۳) کلمه "یوماً" مفعول به و اسم نکره است و فعل "لاتجزی" جمله وصفیه برای آن می‌باشد.
 (۴) درست است که فعل "تؤدّن" اسم نکره قبلش را "طفلة" توصیف می‌کند ولی "طفلة" فاعل است نه مفعول به.

نکته: در صورتی که جمله جواب شرط یک جمله اسمیه باشد با (فـ) شروع می‌شود و نباید آن را ترجمه کرد.

نکته: هرگاه ادات شرط بر سر فعل (ماضی) بیاید چه فعل شرط چه فعل جواب شرط می‌تواند به صورت مضارع ترجمه شود.

گزینه "۱": چه کسی است که = هرکس / (درحالی‌که) حذف / باشد = است

گزینه "۲": در آتش است = اهل دوزخ است.

گزینه "۴": به خاطر زبانش = از زبانش / از مردم = مردم

راه حل تکنیکی:

گام اول = من خاف (ادات شرط + فعل شرط): هرکس بترسد (ترسید) = حذف گزینه ۱ و ۲

گام دوم = مقایسه دو گزینه ۳ و ۴ = (مردم از) و (از مردم) = فاعل و مفعول (الناس: فاعل) = حذف گزینه ۴

۴۰

گزینه ۴

در این گزینه "قلب" یک اسم نکره است که جمله "لا یخضع" آن را وصف می‌کند، اما در سایر گزینه‌ها یک جمله بعد اسم نکره وجود ندارد.

۴۱

گزینه ۴

همه موارد صحیح است.

۴۲

گزینه ۲

باتوجه به سخن امام رضا (ع) پس از بیان حدیث قدسی "سلسلة الذهب"، یعنی عبارت "بشروطها و أنا من شروطها"، مقصود امام این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست، بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر شود، لذا با آیه ولایت: (انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا...) ارتباط مفهومی دارد.

۴۳

گزینه ۲

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، حضرت علی (علیه السلام) و سایر امامان درباره امام عصر (عج) و امامتی که به عهد ایشان است، بسیار سخن گفته بودند. از این رو حاکمان بنی‌عباس در صدد این بودند که ایشان را به محض تولد از بین ببرند. آنان امام دهم و امام یازدهم را در محله‌ای نظامی در شهر سامرا سکونت دادند. لذا این سکونت اجباری نتیجه آگاهی عباسیان از رسالت الهی حضرت مهدی موعود (عج) بوده است.

۴۴

گزینه ۳

بر اساس آیه (ذَلِكِ يَأْتِ بِالنَّارِ اللَّهُ لَمْ يَكْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...)، تا زمانی که قومی، خود وضع خود را تغییر ندهند، (حَتَّى يُغَيِّرُوا)، خداوند تغییری در احوال آنان ایجاد نخواهد کرد. در انتهای این آیه به دو صفت "سمیع" و "علیم" اشاره شده است.

۴۵

گزینه ۲

در تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو که از اقدامات مرجعیت دینی است با گسترش سرزمین‌های اسلامی، سؤال‌های مختلفی در زمینه‌های احکام، اخلاق و افکار و نظام کشورداری پدید آمد.

۴۶

گزینه ۲

پیامبر اکرم (ص): "هرکس دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر را بپذیرد." امام با این شرط با آن‌ها بیعت می‌کند که در امانت خیانت نکنند، پاک‌دامن باشند، اهل دشنام و کلمات زشت نباشند، ظلم و ستم خون‌ریزی نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق آزار ندهند، ساده‌زیست باشند و بر مرکب‌های گران‌قیمت سوار نشوند، لباس‌های فاخر نپوشند، به حقوق مردم تجاوز نکنند، به یتیمان ستم نکنند، دنبال شهوت‌رانی نباشند، شراب ننوشند، به پیمان خود عمل کنند، ثروت و مال را احتکار نکنند ... و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند.

غلط بودن عبارت الف: دوره غیبت، به معنای عدم امامت امام عصر نیست، بلکه رهبری حقیقی مسلمانان هم‌اکنون نیز به عهده ایشان است. غلط بودن عبارت ج: امام در نامه‌ای به شیخ مفید فرمودند: "ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست."

بر اساس آیه کلید و رمز لیاقت به دست گرفتن حکومت گسترده حق و جانشینی در زمین ایمان و عمل صالح است.

امام علی (ع) می‌فرماید:
زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میان‌شان بی‌بهره می‌سازد.
از این سخنان درمی‌یابیم که تغییر و تحول در امور مربوط به جامعه، قوانین و سنت‌های خاص خود را دارد که باید بدان‌ها توجه کرد؛ برای مثال، در جامعه‌ای که گرفتار بی‌عدالتی است، تصمیم یک فرد یا گروهی محدود برای برقراری عدالت، اگر از همراهی دیگر افراد برخوردار نباشد، به نتیجه نمی‌رسد.

به مرگ جاهلی مردن، معلول (بازتاب) نشناختن امام معصوم (ع) است که با عبارت (انْقَلَبْتُمْ عَلٰی اَعْقَابِكُمْ) در کتاب درسی ارتباط دارد، چون بازگشت به جاهلیت یعنی عدم ثبات قدم در مسیری که پیامبر (ص) آن را ترسیم کرده است، یعنی مسیر امامت.

باتوجه به آیه شریفه: (ذَلِكِ بَانَ اللّٰهُ لَمْ يَكْ مَغِيْرًا نِعْمَةً اَنْعَمَهَا عَلٰى قَوْمٍ حَتّٰى يَغِيْرُوْا مَا بَانَفْسَهُمْ وَاِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ): "خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آن‌ها، وضع خود را تغییر دهند، همانا خداوند شنوا و داناست."
هلاکت یا عزت و سربلندی یک جامعه تابع (معلول) رفتار و اعمال و کردار مردم جامعه است و امیرالمؤمنین در این باره می‌فرماید: "زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند اما خداوند، به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی (افراط) در گناه آنان را از وجود حجت در میان‌شان بی‌بهره می‌سازد."

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية": "هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است." در حدیث دیگری می‌فرماید: "خوشا به حال کسی که به حضور "قائم" برسد درحالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد."، مراجعه به عالمان دین، عمل به احکام فردی و اجتماعی دین و مقابله با طاغوت از جمله دستورات امام زمان است که پیروان آن حضرت به دنبال انجام آن هستند و از علائم پیروی از امام عصر (ع) است.

طبق فرمایش صورت سؤال حضرت علی (علیه‌السلام)، لازمه امید و انتظار، دعا برای ظهور آن حضرت و حضور در پیشگاه اوست.

طبق آیه (وعد الله الذین آمنوا ... یعبدوننی لایشرون بی شیئاً) قبلاً هم در زمین سابقه داشته تا درنهایت هدف بزرگ عبادت خداوند محقق شود.

"الف": مقابله با اندیشه‌های باطل ← تعلیم و تفسیر قرآن کریم
 "ب": حدیث سلسله الذهب ← حفظ سخنان و سیره پیامبر (مرجعیت دینی) و معرفی خویش به‌عنوان امام بر حق (ولایت ظاهری)

"ج": باقی ماندن تفکر اسلام راستین ← انتخاب شیوه‌های درست مبارزه
 "د": جلوگیری از شهادت یاران صمیمی ← انتخاب شیوه‌های درست مبارزه

درست است که حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، ظالمانه و غاصبانه حکومت را به دست گرفته بودند و عاملان اصلی به شهادت رساندن امامان بودند، اما بیشتر مردم تسلیم این حاکمان شده بودند و با آنان مبارزه نمی‌کردند و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را انجام نمی‌دادند؛ اگر مردم آن دوره با این حاکمان ظالم، مبارزه می‌کردند، خلافت در اختیار امامان قرار می‌گرفت و آن بزرگواران (درنهایت) بیش‌ازپیش مردم را به سوی توحید و عدل فرامی‌خواندند و جامعه بشری در مسیر صحیح کمال پیش می‌رفت.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة"
 "هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است."
 در حدیث دیگری می‌فرماید: "خوشا به حال کسی که به حضور "قائم" برسد؛ درحالی‌که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد."
 مراجعه به عالمان، عمل به احکام فردی و اجتماعی دین و مقابله با طاغوت، از جمله دستورات امام زمان و از علائم پیروی از ایشان است که پیروان آن حضرت به دنبال انجام آن هستند.

ولایت معنوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، هدایت باطنی افراد است و فرمایش رسول خدا (ص): "من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة": "هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است"، نشان می‌دهد هرکس امام زمان خود را نشناسد، دچار مرگ جاهلی شده است.

انسان منتظر و مشتاق امام زمان (عج)، نجوای انتظار خود را این‌گونه با ایشان مطرح می‌سازد: "او منتظر است تا که ما برگردیم / ماییم که در غیبت کبری ماندیم."

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: بیانگر عدم آمادگی فرد و جامعه برای ظهور است.

گزینه ۲: بیانگر بی‌نظیر بودن خدا و اصل توحید و یگانگی است.

گزینه ۳: بیانگر فقر موجودات در وجود به خداست.

موارد (ب) و (ج) به درستی بیان شده؛ ولی عبارت (الف) به سرنوشت مستضعفان اشاره دارد که خداوند آنان را پیشوایان زمین قرار می‌دهد.

ترجمه جمله: هدف از آموزش و پرورش آموختن کسب معیشت به شما نیست، بلکه باعث می‌شود که شما عضو مفیدی از جامعه باشید.

- (۱) کسب کردن
- (۲) ذخیره کردن، انبار کردن
- (۳) خدمت کردن
- (۴) اداره کردن

ترجمه جمله: با استفاده از اسلحه اسباب‌بازی تهیه شده، باید هدف را شلیک کنید تا زنگ هشدار خاموش شود. نکته درسی: برای بیان هدف از انجام کاری از مصدر با to یا infinitive استفاده می‌کنیم.

ترجمه جمله: نمونه جدید آن وسیله نقلیه که از نظر اندازه بزرگ‌تر و از نظر وزن سنگین‌تر (از نمونه‌های پیشین) است؛ محبوبیت یافته و فراتر از انتظارات به فروش رسیده است.

- (۱) بیان، اظهار، اصطلاح
- (۲) انتظار، توقع
- (۳) شرط، وضعیت
- (۴) مقایسه

بعد از افعال to be که جزء افعال ربطی هستند صفت به کار برده می‌شود و با توجه به معنای عبارت فاعل جمله اثرپذیر است.

ترجمه جمله: هفته آینده کار جدیدی را شروع می‌کنم. برای آن خیلی هیجان زده هستم.

وقتی از خارجی‌ها سوال می‌شود که چه چیزی در رابطه با جامعه آمریکایی از همه عجیب‌تر است به این واقعیت اشاره می‌کنند که هر شهروند عادی، مجاز است اسلحه داشته باشد. گرچه خیلی‌ها در ایالت متحده به‌طور قانونی اسلحه حمل می‌کنند، خیلی‌ها این کار را به‌طور غیر قانونی انجام می‌دهند. دیگرانی که اسلحه ندارند، حس می‌کنند که اسلحه به راحتی قابل تهیه است. خیلی از دبیرستانی‌ها می‌توانند بدون زحمت چندانی، اسلحه تهیه کنند. بعضی از مدارس دانش‌آموزان را مجبور می‌کنند قبل از ورود به ساختمان مدرن از دروازه فلزیاب، شبیه آنچه در فرودگاه‌ها یافت می‌شود، عبور کنند.

و مرگ در اثر به کارگیری اسلحه، یکی از علل اصلی مرگ در میان بچه‌های زیر بیست سال است و بسیاری از شهروندان احساس می‌کنند که داشتن یک اسلحه برای حفاظت جان‌شان ضروری است. مرگ دوره‌ای شهروندان بی‌گناه و حتی گردشگران خارجی توسط اسلحه، مقامات رسمی را مجبور کرده برای متوقف ساختن این کشتارهای بی‌معنی قوانینی وضع کنند. بعضی‌ها پیشنهاد کرده‌اند که توزیع گلوله شدیداً کنترل شود و بر آن مالیات‌های سنگینی بسته شود، تا به این ترتیب به دست آوردن گلوله برای اسلحه دشوار شود، دیگران پیشنهاد کرده‌اند که از اشخاص متقاضی اسلحه، یک امتحان سخت گرفته شود تا از سلامت روان آن‌ها اطمینان حاصل شود.

گزینه ۳

۶۵

ترجمه جمله: کدام جمله طبق متن صحیح نیست؟

- (۱) بیشتر کسانی که اسلحه دارند، آن‌ها را قانونی حمل می‌کنند.
- (۲) اسلحه‌ها می‌توانند به آسانی در آمریکا تهیه شوند.
- (۳) شمار زیادی از خارجی‌ها هنگام گردشگری در جامعه آمریکایی با اسلحه گرم می‌میرند.
- (۴) فراهم کردن یک اسلحه برای دانش‌آموزان دبیرستان بسیار سخت و گاهی غیرممکن است.

گزینه ۱

۶۶

ترجمه جمله: بهترین عنوان برای این متن عبارت است از

- (۱) سلاح‌های گرم و مسئله کنترل آن‌ها
- (۲) علت اصلی مرگ بین آمریکایی‌ها
- (۳) مرگ مردم بی‌گناه توسط سلاح گرم
- (۴) اسلحه و دفاع شخصی

گزینه ۳

۶۷

ترجمه جمله: کلمه those در پاراگراف دوم که زیر آن خط کشیده شده است، اشاره دارد به

- (۱) مدارس
- (۲) دانش‌آموزان
- (۳) فلزیاب
- (۴) ساختمان‌ها

ترجمه جمله: موضوع اصلی پاراگراف دوم چیست؟
 (۱) نقش اسلحه در دفاع از خود
 (۲) محدود کردن پخش اسلحه
 (۳) درجه سختی تهیه اسلحه
 (۴) علت اصلی مرگ بین گردشگران خارجی

ترجمه جمله: مردم در سرتاسر جهان به گونه متفاوتی احوالپرسی می‌کنند.
 نکته درسی: بعد از فعل اصلی قید حالت استفاده می‌شود.

همان طور که می‌دانید در شرطی نوع اول زمان عبارت شرطی حال ساده و زمان نتیجه شرط آینده ساده است.
 ترجمه جمله: اگر جان نیاید باهات نخواهم آمد.

در شرطی نوع اول می‌توان به جای Will از دیگر افعال کمکی ناقص نیز استفاده کرد.
 ترجمه جمله: اگر بچه شروع به گریه کرد، می‌تونی بهش یک مقدار شیر بدهی؟

یکی از جایگاه‌های به کارگیر مصدرها بعد از یکسری از افعال است که hope یکی از آنها است. در نتیجه پاسخ صحیح گزینه ۳ است.
 ترجمه جمله: دنا امیدوار است که برای سفر به مدت ۳ ماه به دور اروپا به اندازه کافی پول پس‌انداز کند. این آرزوی اوست.

ترجمه جمله: او را با آمبولانس به بیمارستان میلاد بردند، جایی که وضعیتش رضایت‌بخش توصیف شد.
 (۱) خلاق
 (۲) رضایت‌بخش
 (۳) صادق، صادقانه
 (۴) پزشکی

ترجمه جمله: پدر ما زود بلند می‌شود تا باغ را آبیاری کند.
 توضیح: برای بیان هدف (یعنی این که چرا کاری را انجام می‌دهیم) از مصدر با to استفاده می‌کنیم.

ترجمه جمله: مکرراً به ما گفته می‌شود که اگر ما به این گیاهان به طور منظم آب بدهیم به سرعت رشد می‌کنند. توضیح: برای بیان واقعیات می‌توان در جواب شرط از زمان حال ساده استفاده کرد.

ترجمه جمله: اقتصاددان‌ها نگران هستند که اگر دولت برای کنترل آن اقدامات سریع انجام ندهد، نرخ تورم دو برابر خواهد شد.

نکته مهم درسی: با توجه به وجود "Will" در جمله جواب شرط متوجه می‌شویم که شرطی نوع اول است و در جمله شرط باید از زمان حال ساده استفاده کنیم. ما وقتی از این نوع از جملات شرطی استفاده می‌کنیم که بخواهیم در مورد چیزهایی که ممکن است در آینده اتفاق بیفتند صحبت کنیم که ساختار این نوع سوالات به صورت زیر است:

حالت ساده فعل + May/Can/Will + فاعل + زمان حال ساده + فاعل + If

(۱) نبودند

(۲) نخواهند

(۳) انجام ندهد

(۴) انجام نداد

ترجمه متن:

وقتی که انسان شروع به جستجوی آسمان‌ها با تلسکوپ‌های بهبودیافته خود کرد آنچه دید موجب شد که او احساس حقارت کند. اگر ما زمین را با کائنات مقایسه کنیم، یک ذره کوچکی از گرد و غبار به نظر می‌رسد. زمین فقط یک سیاره کوچک در لبه راه شیری است.

راه شیری، کهکشانی ما، تقریباً سی میلیارد ستاره شبیه خورشیدمان دارد. فضا آنقدر بزرگ است و فاصله‌ها آنقدر زیاد است که در اندازه‌گیری آن‌ها مشکل وجود دارد. ما این فاصله را با سال نوری توصیف می‌کنیم.

(۱) مبله

(۲) رسانا

(۳) جلوگیری کننده

(۴) بهبود یافته

(۱) مقایسه کردن

(۲) خسارت زدن

(۳) مزاحم شدن

(۴) جستجو کردن

باتوجه به آنکه طرف نتیجه شرط آینده ساده است عبارت ما شرطی نوع اول است. زمان عبارت شرطی در این نوع شرطی حال ساده است در نتیجه باتوجه به سوم شخص بودن فاعل و معنای عبارت گزینه ۲ جواب صحیح است. ترجمه جمله: اگر عجله نکند، قطار را از دست خواهیم داد (به قطار نخواهیم رسید).

ترجمه جمله: اگر از سهم‌تان راضی نیستید، آن را کمی برای شما جذاب‌تر (بیشتر) می‌کنم.

۱) علاقه‌مند بودن

۲) تخمین زدن

۳) راضی بودن

۴) متعجب بودن